



دانشکده : علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته: حقوق گرایش: بین‌الملل

عنوان پایان نامه:

نقد نظام حقوق بشر بین‌الملل در پرتو نظریه عدالت

نام دانشجو:

مجید نیکوئی

استاد راهنما:

دکتر محمد راسخ

تیر ۱۳۹۰

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خدا

تاییدیه اعضای هیات داوران در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیات داوران نسخه نهایی پایان نامه کارشناسی ارشد آقای مجید نیکویی تحت عنوان

« نقد نظام حقوق بشر بین الملل در پرتو نظریه ی عدالت » را از نظر فرم و محتوا

بررسی نموده و پذیرش آن را برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد می کند.

اعضای هیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضا
۱- استاد راهنما	دکتر محمد راسخ	دانشیار	
۲- استاد مشاور	دکتر محمد جعفر حبیب زاده	استاد	
۳- استاد ناظر	دکتر سید قاسم زمانی	استادیار	
۴- استاد ناظر	دکتر حسن سواری	استادیار	
۵- نماینده تحصیلات تکمیلی	دکتر حسن سواری	استادیار	

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می‌باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجوی مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می‌باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب و یا نرم افزار و یا آثار ویژه حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

۶۱۱
محمد سلیمی

۱۳۹۵/۶/۱

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ای خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته حقوق بین الملل است که در سال ۱۳۹۰ در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب آقای دکتر محمد راسخ، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر محمد حسیب زاده و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر _____ از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب محمد نیلوی دانشجوی رشته حقوق بین الملل مقطع کارشناسی ارشد

تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: محمد نیلوی

تاریخ و امضا:



دانشکده : علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته: حقوق گرایش: بین الملل

عنوان پایان نامه:

نقد نظام حقوق بشر بین الملل در پرتو نظریه عدالت

نام دانشجو:

مجید نیکوئی

استاد راهنما:

دکتر محمد راسخ

استاد مشاور

دکتر محمد جعفر حبیب زاده

تیر ۱۳۹۰

تقدیم به :

پدر و مادرم

تقدیر

از تمامی آموزگارانم،

از استاد خوبم دکتر محمد راسخ.

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر ارائه ی یک رویکرد موجه ساز حق با کمک نظریه عدالت و سپس ارزیابی نظام حقوق بشر بین الملل کنونی با استفاده از این رویکرد موجه ساز می باشد، تا بدین وسیله بتوانیم حق های واقعی را از ادعاهای موهوم حق جدا نماییم. برای رسیدن به این هدف، ابتدا، به توصیف نظام حقوق بشر بین الملل معاصر (فصل دوم) پرداخته ایم. سپس، به ضرورت طرح نظریه عدالت در ارزیابی نظام حقوق بشر اشاره و نظریه «قانون ملل» جان رالز برای این ارزیابی انتخاب شده است (فصل سوم). رالز در قانون ملل ویژگی های اصلی حقوق بشر را، عدم وابستگی به یک ایدئولوژی و مذهب خاص، ضروری، جهانی و حداقلی بودن می داند. در فصل پایانی سعی شده است تا با کمک از معیار های ارائه شده توسط رالز، نظام حقوق بشر بین الملل را ارزیابی کنیم. پژوهش حاضر، ضمن این بررسی، نتیجه می گیرد که بسیاری از حقوق مطرح شده در اسناد بین المللی، زیر عنوان حق بشری قابل دفاع نیستند. بلکه، صرفاً مطلوباتی هستند که در هر جامعه، با توجه به آموزه های جامع مورد قبول اعضا و برداشت مشترک آن ها از عدالت، باید مطرح شوند. در پایان، به ضرورت ایجاد معیار های بین المللی - شکلی و ماهوی - برای استفاده از مفهوم حقوق بشر و خطر ناشی از «تورم حق ها» اشاره شده است.

کلید واژه ها: حق، حقوق بشر، نظریه عدالت، قانون ملل، جان رالز

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: درآمد	۱
۱-۱. شرح مسئله، اهداف و اهمیت پژوهش.....	۱
۲-۱. سوال (های) پژوهش.....	۳
۳-۱. فرضیه ها یا پیش فرض های پژوهش.....	۳
۴-۱. مواد و روش انجام پژوهش.....	۳
۵-۱. جنبه جدید بودن و نوآوری.....	۴
۶-۱. طرح و ساختار پژوهش.....	۴
فصل دوم: توصیف نظام حقوق بشر بین الملل	۶
۱-۲. حقوق نسل اول: حقوق مدنی و سیاسی.....	۱۱
۱-۱-۲. حق تعیین سرنوشت.....	۱۳
۲-۱-۲. حق حیات.....	۱۵
۳-۱-۲. ممنوعیت شکنجه، رفتار و مجازات های ظالمانه، غیر انسانی و خوار کننده.....	۱۷
۴-۱-۲. ممنوعیت بردگی.....	۱۹
۵-۱-۲. دادرسی منصفانه و حقوق شکلی (رویه ای).....	۲۰
۶-۱-۲. آزادی فکری و دینی.....	۲۱

- ۲۳.....۷-۱-۲ حق آزادی بیان.....
- ۲۵.....۸-۱-۲ حق مشارکت سیاسی.....
- ۲۶.....۹-۱-۲ حقوق اقلیت ها.....
- ۲۹.....۲-۲ حقوق نسل دوم: حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.....
- ۳۱.....۱-۲-۲ حق تعیین سرنوشت.....
- ۳۱.....۲-۲-۲ حقوق مربوط به کار.....
- ۳۳.....۳-۲-۲ حق تامین اجتماعی.....
- ۳۵.....۴-۲-۲ حق بر سطح مناسب زندگی.....
- ۳۸.....۵-۲-۲ حق بر بهداشت.....
- ۴۰.....۶-۲-۲ حق بر آموزش.....
- ۴۱.....۷-۲-۲ حقوق فرهنگی.....
- ۴۳.....۳-۲-۳ حقوق نسل سوم: حقوق همبستگی.....
- ۴۴.....۱-۳-۲ حق بر توسعه.....
- ۴۵.....۲-۳-۲ حق بر محیط زیست سالم.....
- ۴۶.....۳-۳-۲ حق بر صلح.....
- ۴۷.....۴-۳-۲ ویژگی های مشترک حقوق نسل سوم.....
- ۴۹.....**فصل سوم: نظریه عدالت**.....
- ۴۹.....۱-۳. ضرورت ارزیابی حقوق بشر با نظریه ی عدالت.....
- ۵۱.....۲-۳. نظریه های عدالت.....

- ۵۳..... نظریه ی عدالت جان رالز..... ۳-۳
- ۵۴..... مفاهیم بنیادین در نظریه ی عدالت رالز..... ۱-۳-۳
- ۵۷..... نظریه ی قانون ملل..... ۴-۳
- ۵۸..... علل انتخاب ملت ها به جای کشور ها..... ۱-۴-۳
- ۶۰..... اصول نظریه ی قانون ملل..... ۲-۴-۳
- ۶۲..... حقوق بشر در نظریه ی قانون ملل..... ۳-۴-۳
- ۶۵..... جوامع شرافتمند..... ۴-۴-۳
- ۶۶..... معیار های جوامع سلسله مراتبی شرافتمند..... ۱-۴-۴-۳
- ۶۹..... کزانتان: جامعه ی سلسله مراتبی شرافتمند..... ۲-۴-۴-۳
- ۷۱..... ارزش جوامع شرافتمند و دلیل مقبولیت آن ها در جامعه ی ملل..... ۳-۴-۴-۳
- ۷۳..... جوامع محنت زده..... ۵-۴-۳
- ۷۴..... وظیفه ی مساعدت..... ۱-۵-۴-۳
- ۷۷..... عدالت توزیعی میان ملت ها..... ۶-۴-۳
- ۸۰..... تحلیل نهایی رالز در قانون ملل..... ۷-۴-۳
- ۸۲..... ارزیابی قانون ملل از دید منتقدان و مدافعان..... ۵-۳
- ۸۳..... دیدگاه منتقدان قانون ملل..... ۱-۵-۳
- ۸۶..... دیدگاه مدافعان قانون ملل..... ۳-۵-۳
- ۸۹..... فصل چهارم: ارزیابی نظام حقوق بشر در پرتو قانون ملل.....**
- ۸۹..... ۱-۴. نگاهی گذرا به مبنا و منشا حقوق بشر در نظریه ی قانون ملل.....

۹۱.....۲-۴. حقوق نسل اول از دیدگاه قانون ملل

۱۰۰.....۳-۴. حقوق نسل دوم از دیدگاه قانون ملل

۱۰۷.....۴-۴. حقوق نسل سوم از دیدگاه قانون ملل

۱۱۲.....۵-۴. نتیجه گیری

۱۱۵.....**فهرست منابع**

۱۱۵.....۱. منابع فارسی:

۱۱۷.....۲. منابع انگلیسی:

۱۱۷.....۱-۲. کتب و مقالات:

۱۲۲.....۲-۲. سایت های اینترنتی:

۱۲۲.....۳-۲. اسناد بین المللی:

فصل اول

درآمد

۱-۱. شرح مسئله، اهداف و اهمیت پژوهش

گفتمان حقوق بشر، به واسطه‌ی حق‌ها و آزادی‌های فردی و از مجرای سازوکارهای بین‌المللی، توانسته است در دوران معاصر نقشی محوری در هدایت جریان‌های نظری و عملی حقوق ایفا کند. نظام حقوق بین‌الملل نوین نیز، هم در حوزه‌ی نظر و هم در عرصه‌ی عمل، به سمت انعکاس دادن رویکرد های کلان حقوق بشری گرایش پیدا کرده است. تلاش برای تصویب اسناد جهانی و منطقه‌ای الزام آور و توصیه‌ای در راستای حمایت از حقوق بشر پس از جنگ جهانی دوم و به موازات آن، طرح ریزی و تأسیس نهادهای قضایی و نظارتی بین‌المللی، نشان از چرخش این نظام به سمت تأمین حقوق بنیادین انسان در برابر تعدی‌های دولت‌هایی است که خود بازیگران اصلی این نظام حقوقی هستند.

باری، مفهوم «حق» امروزه نقش مهمی را در ادبیات حقوق بشر بین‌الملل ایفا می‌کند. پس از اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و گسترش مفهوم حقوق بشر در دنیای جدید، به همراه ایجاد معاهدات حقوق بشری گوناگون و پیوستن دولت‌ها- که همچنان کارگزاران اصلی و به رسمیت شناخته شده در عرصه‌ی حقوق بشر الملل هستند- به این معاهدات، مفهوم حق جایگاهی بیش از پیش یافت. از یک طرف، با اهمیت یافتن معاهدات حقوق بشری در عرصه‌ی نظام بین‌الملل، تعهد به اجرای حقوق بشر در میان دولت‌ها به معیاری برای سنجش عملکرد آن‌ها توسط نهاد های بین‌المللی و سایر کشورها تبدیل شده است. از طرف دیگر، ادعاهایی که امروزه، در مجامع بین‌المللی، ذیل عنوان «حق» مطرح می‌شود، هر روز فزونی می‌یابد. امروزه می‌توان فهرست بلندی را برشمرد که در معاهدات و توسط دولت‌ها به عنوان حق شمرده شده است: از آزادی بیان گرفته تا حق بر کار و حق بر محیط زیست

سالم. حتی، مسائلی چون لذت جنسی و آموزش های جنسی نیز، تحت عنوان حقوق جنسی، به عنوان حق بشر، مطرح شده اند (World Congress of Sexology, 1999).

البته، میتوان دلیل اصلی استفاده از مفهوم «حق» در اسناد حقوق بشر بین الملل و ازدیاد آن در معاهدات بین المللی را، قدرت مفهوم حق و تضمین ادعاهای ما توسط این مفهوم دانست. در واقع هنگامی که ما ادعا می‌کنیم، حق داریم چیزی را داشته باشیم، صرفاً آن را تقاضا نمی‌کنیم و این، ادعای ساده ای نیست که اگر آن را برآورده کنند صرفاً خوب باشد، بلکه ما خود را مستحق آن و دیگران را اخلاقاً متعهد به احترام به این ادعا می‌دانیم (Jones, 1999 a).

این دو مسئله، یعنی گسترش روز افزون ادعاهای مطرح شده زیر عنوان «حق» از یک طرف، و ارتقاء جایگاه حق و حقوق بشر در نظام حقوق بین الملل کنونی و تبدیل شدن حقوق بشر به معیاری برای سنجش عملکرد دولت ها از طرف دیگر، ضرورت ارزیابی ادعاهای مطرح شده، زیر عنوان حقوق بشر و اهمیت پژوهش در این باره را بر ما آشکار می‌سازد. به دیگر بیان، اگر حقوق بشر ارزش هایی ست جهان شمول، غیر قابل واگذاری و ضروری که سایر ادعا ها یارای مقابله با آن را ندارند، باید در کاربرد و استفاده از مفهوم حق، جدی تر و سخت گیرانه تر بود. سخت گیری در استفاده از مفهوم حق، جز با تعیین معیار های حقوق بشر و محک هایی که به وسیله ی آن بتوانیم، ادعا های موهوم حق را از حق های واقعی بشناسیم ممکن نیست.

از آن جا که صرف بیان ادعایی زیر عنوان حق در اسناد حقوق بشر، دلیل موجه بودن آن نیست - اگر چه به آن اعتبار حقوقی می‌بخشد - در این تحقیق بر آنیم تا با بررسی حقوق بشر مذکور در اسناد بین المللی، حقوق موجه را از ادعاهای موهوم شناسایی کنیم. این ارزیابی از طریق نظریه عدالت صورت می‌گیرد؛ چرا که، موجه سازی حق ها، و تعیین محکی برای جداسازی ادعا های حق از حقوق واقعی بشر، جز با تمسک به نظریه ی عدالت ممکن نیست. در واقع از آن جا که حق، اعمال محدودیت موجه بر آزادی دیگری ست، تعیین میزان و محتوای حقوق و آزادی افراد، جز با ارائه ی یک معیار توزیعی برای این حقوق و آزادی ها ممکن نیست و نظریه ی عدالت در بردارنده ی این معیار توزیعی ست (Steiner, 1994).

به تعبیر دیگر، از آن جا که حق، مقتضای حداقلی عدالت است، سخن از حق، ما را به سوی مفهوم عدالت رهنمون می‌سازد. البته عدالت، به عنوان اساسی ترین مفهوم در فلسفه ی سیاسی و حقوق، محدود به حق نمی‌شود، بلکه، سایر ارزش ها و ایده آل های انسانی و ضرورت های زندگی جمعی را هم در نظر می‌گیرد و میان آن ها تعادل ایجاد می‌کند.

۱-۲. سوال (های) پژوهش

حال، سوال اصلی و اساسی پژوهش حاضر این است که آیا همه ی حق های مذکور در اسناد بین المللی زیر عنوان حقوق بشر، حقوقی موجه و قابل قبول اند؟ مسلماً برای پاسخ به سوال مذکور باید ابتدا معیار های موجه و ناموجه بودن ادعاهایی که زیر عنوان حقوق بشر بیان می‌شود را در یابیم. بنابراین سوال فرعی پژوهش حاضر این است که معیار های موجه ساز حق چه هستند؟

۱-۳. فرضیه ها یا پیش فرض های پژوهش

با توجه به سوال اصلی، پیش فرض پژوهش حاضر این است که همهٔ حقوق مذکور در اسناد حقوق بشر بین الملل، حقوق موجه و قابل قبولی نیستند. برخی از حقوق، همچون بهبود مداوم شرایط زندگی، دارای ویژگی های حق، به عنوان حق بشری نیستند. به علاوه، معیار موجه ساز حق، یا معیار متمایز کننده ی یک ادعای حق از حق واقعی بشر، جهان شمولی و ضروری بودن آن است.

۱-۴. مواد و روش انجام پژوهش

روش انجام این تحقیق توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری داده ها به صورت کتابخانه ای می‌باشد. فصل دوم و سوم به ترتیب به توصیف نظام حقوق بشر بین الملل و نظریه ی قانون ملل پرداخته است. در فصل چهارم با ارزیابی حق های مذکور در فصل دوم به وسیله ی نظریه ی قانون ملل، به تحلیلی نقادانه پرداخته ایم. البته در فصل دوم هم، سعی شده است در مواردی که ضرورت اقتضا می‌کند، به

تحلیل مسائل پردازیم. همچنین در فصل سوم، وقتی به ضرورت طرح مسئله ی عدالت یا علل انتخاب نظریه ی قانون ملل از میان نظریه ها پرداخته ایم، کاری تحلیلی صورت گرفته است. در مجموع می توان گفت که رویکرد کلی فصل دوم توصیفی، فصل سوم، توصیفی - تحلیلی و نهایتاً فصل چهارم، تحلیلی است.

۱-۵. جنبه جدید بودن و نوآوری

با توجه به بررسی های صورت گرفته، تا کنون تحقیق و پایان نامه ای در این زمینه صورت نگرفته است و موضوع با توجه به اهمیت آن نیازمند کار و تحقیق است، که امیدواریم در این پایان نامه به این مهم جامه ی عمل ببوشانیم.

۱-۶. طرح و ساختار پژوهش

برای پاسخ به سوال مذکور و پی گیری هدف اصلی این پژوهش - که همان ارزیابی نظام حقوق بشر بین الملل در پرتو نظریه ی عدالت می باشد- در ابتدا (فصل دوم)، با جستجو در اسناد بین المللی حقوق بشر به توصیف نظام حقوق بشر بین الملل - با تاکید بر قواعد ماهوی - می پردازیم. در این مرحله قصد ارزیابی نقادانه ی این نظام را نداریم و این مسئله را به فصل پایانی پژوهش (فصل چهارم) می سپاریم.

در گام بعدی (فصل سوم)، با تبیین نیاز و ضرورت طرح مسئله ی عدالت در ارزیابی حق ها، در نظام حقوق بین الملل بشر، به نظریه های عدالت می پردازیم. پس از معرفی اجمالی نظریه ها، در این مرحله نظریه ی جان رالز^۱ را در کتاب «قانون ملل»^۲، به عنوان تئوری منتخب- با ارائه ی دلایل انتخاب آن نظریه - شرح می دهیم.

در مرحله ی آخر (فصل چهارم) به نقد و بررسی نظام حقوق بشر بین الملل بر اساس نظریه ی قانون ملل جان رالز می پردازیم. این تحقیق، در پایان نتیجه می گیرد که همه ی حقوق مذکور در اسناد حقوق بشر بین الملل، به عنوان حقوق بشر قابل دفاع نیستند. بسیاری از ادعا های حق، مطلوباتی

^۱John Rawls.

^۲The Law of Peoples.

هستند که هر جامعه با توجه به شرایط فرهنگی، اقتصادی و برداشت مشترک اعضای خود از مفهوم عدالت، باید در مورد آن تصمیم گیری کند. به علاوه پژوهش حاضر نسبت به ضرورت ایجاد معیار هایی - شکلی و ماهوی - برای استفاده از مفهوم حق و شیوع و ازدیاد بیش از اندازه ی حق و عواقب ناشی از آن هشدار می‌هد. بررسی تفصیلی مباحث را به متن تحقیق می‌سپاریم.

فصل دوم

توصیف نظام حقوق بشر بین الملل

نظام های حقوقی مجموعه ای متشکل از مفاهیم، قواعد، اصول^۱، رویه ها و نهاد های مختلف اند تا بتوانند به هدف خود، که همان تمشیت مقتدرانه ی روابط جمعی انسان هاست، برسند (کلی، ۱۳۸۲ ص. ۱۱، مقدمه مترجم). نظام های بین المللی، که نظام حقوق بشر بین الملل جزئی از آن است، نیز از اصل مذکور مستثنا نمی باشد. در نظام های بین المللی نیز انتظارات بازیگران بین المللی در یک حیطه ی موضوعی مشخص به وسیله ی همین مفاهیم، قواعد، اصول، رویه ها و نهاد ها به نقطه مشترک می رسد و دارای همپوشانی می شود (Donnelly, 1986 pp. 599-600).

حقوق بشر هم که از حدود چند قرن گذشته در حیطه ادبیات فلسفی، سیاسی و اخلاقی از آن بحث می شد، تا بعد از جنگ دوم جهانی به عنوان یک نظام حقوقی شناخته نشده بود؛ چرا که عناصر چندگانه ای را که وجه مشترک نظام های حقوقی نامیده شد، دارا نبود. قبل از جنگ جهانی اول اساساً، حقوق بشر به عنوان مسئله ای که در حیطه ی صلاحیت داخلی کشور هاست شناخته می شد و به جز ارجاع های کلی و مختصر به حقوق بیگانگان و حداقل رفتار استاندارد، حتی اعلامیه ی ضعیفی هم در زمینه ی حقوق بشر دیده نمی شد (J. Wilson, et al, 2005, p. 3). در مرحله بین دو جنگ جهانی نیز اگر چه تلاش هایی در زمینه ی حقوق بشر شد^۲، ولی حقوق بشر نتوانست به عنوان

^۱ افزودن اصول حقوقی در کنار قواعد، سنگ بنای دیدگاه دورکین است. این اصول به عنوان راهنمای یک نظام حقوقی در رسیدن به عدالت و انصاف، نقش مکمل را بازی می کنند. به علاوه خاستگاه اعتبار اصول و قواعد متفاوت است: قواعد با تصویب موجودیت می یابند، در صورتی که اصول هیچ گاه وضع یا تصویب نشده اند. مثال روشن کننده ای که دورکین در مورد اصول راهنمای عدالت می زند این است که هیچ کس نباید از عمل خلافش سود ببرد. این اصل برای اعتبار داشتن در یک نظام حقوقی نیازمند تصویب نیست (Dworkin, 1985).

^۲ کنوانسیون منع برده داری (۱۹۲۶) و کنوانسیون مرتبط با کار اجباری (۱۹۳۰) از نمونه ی این تلاش هاست.

یک نظام حقوقی پا به عرصه ی وجود بگذارد. در این مرحله نهاد هایی چون سازمان بین المللی کار^۱ و جامعه ی ملل^۲ تلاش هایی در مورد حقوق بشر انجام دادند (Donnelly, 1986).

جنگ جهانی دوم، با وجود همه ی خشونت هایی که در آن صورت گرفت، نقطه ی عطفی برای حقوق بشر شد. از این مرحله به بعد است که می توان گفت، حقوق بشر به عنوان یک رژیم بین المللی و یا نظام حقوقی بین المللی شناخته شد (Donnelly, 1986). از همان ابتدا، در مقدمه ی منشور ملل متحد ایمان به حقوق اساسی بشر، شأن و منزلت انسان، حقوق برابر مردان و زنان و تمامیت ملت ها مورد تایید قرار گرفت. حقوق بشر به مثابه ی یک نظام حقوقی و نه یک بحث اخلاقی صرف، در برگرفته ی عناصر لازم یک نظام حقوقی شد. مفاهیمی چون «کرامت انسانی»، «حق» یا «آزادی»، که تا قبل از ایجاد سازمان ملل متحد به عنوان مفاهیم اخلاقی در حیطه بین الملل از آن ها بحث می شد، پس از آن به همراه اصول، قواعد^۳ و نهادها^۴ و رویه های ایجاد شده وارد عرصه ی جدیدی به نام حقوق شد.

سخن پیرامون هر یک از این عرصه های حقوق بشر - مفاهیم، اصول، قواعد، نهاد ها و رویه ها - مجال و فرصتی جداگانه نیاز دارد. از آن جا که این پژوهش به ارزیابی نظام حقوق بشر بین الملل در پرتو نظریه ی عدالت می پردازد و نظریه های عدالت اصولاً به مبانی می پردازند، و از طرف دیگر، این

^۱ International Labor Organization (ILO).

^۲ League of Nations.

^۳ قواعد حقوق بشر را - همچون سایر نظام های حقوقی - باید از درون منابع این نظام جستجو کرد. منابع نظام حقوق بشر بین الملل به عنوان بخشی از نظام حقوق بین الملل اصولاً دارای همان منابع حقوق بین الملل (معاهده، عرف و...) است. همانند عرصه حقوق بین الملل، معاهدات در نظام حقوق بشر بین الملل نقش اساسی را ایفاء می کنند. البته همانطور که کمیته ی حقوق بشر تصریح می کند، میان حقوق بشر و حقوق بین الملل تفاوتی اساسی از این جهت وجود دارد و آن این است حقوق بشر و معاهدات آن ماهیت مبادله ی بین الدولی ندارند و نمی توانند مشمول اصل عمل متقابل کشور ها شوند و یا به تعبیر دیگر معاهدات حقوق بشر، نمایانگر مبادله منافع بین کشورهای عضو نیست (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۶ صص. ۱۷۵-۹).

^۴ در یک تقسیم بندی کلی، سازوکارهای جهانی نظارت بر حقوق بشر به دو دسته تقسیم می شوند: (۱) سازوکارهایی که مستقیماً (مجمع عمومی یا شورای اقتصادی اجتماعی) یا به صورت غیر مستقیم (مانند کمیسیون مقام زن) از منشور سازمان ملل متحد نشأت گرفته اند. (۲) سازوکارهایی که بر اساس معاهدات حقوق بشری به وجود آمده اند (کمیته حقوق بشر، کمیته حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و...). به علاوه ارکان دیگری چون شورای امنیت، دیوان دادگستری بین المللی، کمیسیون حقوق بین الملل، سازمان های غیر دولتی، کارگزاریهای تخصصی (مانند یونسکو) و امثال این ها هر کدام به عنوان یک نهاد، به نحوی از انحا (وضع قواعد، نظارت بر اجرای قواعد و قضاوت) در اجرای حقوق بشر نقش دارند (شایگان، فریده و...، ۱۳۸۲، صص ۶-۸). البته در کنار سازوکارهای جهانی نظارت بر حقوق بشر، سازوکارهای منطقه ای نیز وجود دارند.